



دانشمندان عرب و نام خلیج فارس

نه تنها بسیاری از دانشمندان و آگاهان در غرب بلکه بسیاری از علما و دانشمندان عرب نیز چه در دهه 60 میلادی (سالهای اولیه توطئه) و چه در سالهای اخیر بر اصیل بودن و تاریخی بودن نام خلیج فارس تأکید کرده اند و نام خلیج عربی را غیر علمی و غیرتاریخی و مغرضانه خوانده اند. بسیاری از این آگاهان مسائل منطقه معتقد هستند که نتایج زیانبار مادی، معنوی و روانی تغییر نام خلیج فارس از سوی افراد متعصب و مغرض به ضرر کشورهای منطقه است. در اینجا لازم است حداقل چند نمونه از این اظهار نظرها را به روئت و قضاوت خوانندگان برسانیم:

عبد الرحمن راشد مدیر کل شبکه جهانی تلویزیون عربیه و نویسنده سرشناس پرتیراژ ترین روزنامه عربی، شرق الاوسط چاپ لندن و سعد بن طفلة یک وزیر سابق کویتی در دو مقاله جداگانه در خصوص نام خلیج فارس در تاریخ 2005/1/1 و 2005/1/15 اعتراف نموده اند که هیچ سندی برای تغییر نام خلیج فارس وجود ندارد.

محمد ابوعلی در 2004/12/16 در همان روزنامه تغییر یکجانبه نام خلیج فارس را توسط روشنفکران ناسیونالیست محکوم نموده است و نوشته است فجمیع کتب الأطلس و کتب التاریخ والجغرافیا تتحدث عن اسم الخلیج الفارسی. یاسین سوئد در نهار المغربیه 2005/1/7 در حالیکه اسناد تاریخی عربی و غیر عربی نام خلیج فارس را تایید می کند اصرار بعضی قوم گرایان بر تسمیه عربی عملی مربوط به عصر جاهلیت است. حسن عباس نصرالله " تاریخ نگار و استاد تاریخ دانشگاه لبنان تاکید کرد :

نام "خلیج فارس" در همه اسناد و کتابهای تاریخی ذکر شده است .

نصرالله روز پنجشنبه ۱۰/۱۰/۸۳ در مصاحبه با خبرنگار ایرنا گفت : تنب بزرگ و کوچک و ابوموسی نیز به ایران تعلق دارد. این

تاریخ نگار لبنانی افزود: موضع غیردوستانه برخی رسانه های کشورهای عرب در برابر ایران مانند تحریف نام "خلیج فارس" ناشی از فشارهای آمریکا است که با همه امکانات به جنگ انقلاب اسلامی آمده است.

نصرالله، اعتراض ایران به ناشرانی که که خلیج فارس را خلیج عربی نامیده اند، منطقی دانست.

تاریخ نگار لبنانی از حکومت های عرب خواست که با بهره گیری از رویدادها و تحولات کنونی و پندگیری از تجربه گذشته برای تقویت تفاهم و هماهنگی با ایران تلاش کنند.

وی تاکید کرد که ایران به عنوان یک کشور مهم حوزه خلیج فارس با محترم شمردن تاریخ و جغرافیای منطقه و پایبندی به قوانین حسن همجواری در برابر بیگانگانی که در پی تحریف واقعیت های تاریخی هستند، ایستاده است.

مجله الاهرام www.ahram.org.eg/arabi در شماره 219 اگوست 2001 متن کامل مصاحبه آقای مجدی عمر معاون اول سابق شورای دفاع ملی مصر را چاپ نموده است و در بخشی از سخنان خود چنین گفته است: "نسل من بخاطر دارد که ما در ایام مدرسه در کتب و نقشه ها با لفظ خلیج فارس سر و کار داشتیم ولی بعد از مدتی به آن خلیج عربی اطلاق کردیم. این غیر منطقی، رزالت و پستی است. این که چند کشور عربی در اطراف آن باشند دلیل نمی شود که نامی تاریخی را تغییر دهیم، حال برای اینکه خود را از این مخمصه نجات دهیم فقط آنرا خلیج می نامیم، کدام خلیج؟! مگر خلیج بدون نام هم می شود".

انتخاب ۲/۱۱/۸۳ بر خورد غیرحکیمانه اعراب با نام خلیج فارس

نوشت: دکتر عبدالنعم سعید رئیس مرکز تحقیقات سیاسی و استراتژیک الاهرام گفت که اصرار اعراب برای مذاکره با ایرانیان بر سر نام خلیج فارس را «برخوردی غیرحکیمانه» با حقایق تاریخی و جغرافیایی می داند. وی که همراه هیاتی از این مرکز برای شرکت در میزگرد ایران و مصر به تهران سفر کرده بود، در دومین بخش از گزارش خود که روزنامه مصری «الاهرام» آن را منتشر کرد نوشت: برای اولین بار بود که از مرکز اسناد وزارت خارجه (ایران) دیدن می کردیم و برای ما از هر نظر اعجاب برانگیز بود.

آنچه در مرکز اسناد وجود داشت، به معنی واقعی کلمه شگفت آور بود و این اسناد با عالی ترین و مترقی ترین فناوری موجود برای

حفظ آثار، نگهداری می‌شدند، برای پژوهشگرانی چون ما این مرکز اسناد یکی از گنج‌های علاءالدین بود، به ویژه آن که آنچه در رابطه با مصر و ایران و روابط آن دو کشور یافتیم مربوط به زمانی بود که مردم به تازگی قادر به نوشتن و ثبت کردن شده بودند. از سویی دیگر، شاید شاه بیت این قصیده هم این باشد که در این مرکز یکی از غنی‌ترین مجموعه‌های مربوط به نقشه‌ها را که تاکنون در هیچ کتابخانه‌ای نیافته بودم، مشاهده کردم. در این نقشه‌ها وضعیت جهان و جایگاه ایران در هر دوره‌ای از آن دیده می‌شد.

به طور کلی، به هیچ وجه شکفت‌انگیز نخواهد بود که بگوییم، همه نقشه‌ها از دوران یونان باستان و حتی نقشه‌هایی که عرب‌ها ترسیم کرده بودند و ما شاهد آن بودیم، همه آنها کلمه خلیج فارس را به کار برده بودند.

به نظر می‌رسد که این کار، مطرح شدن یکی از موضوعات معلق در روابط عربی - ایرانی است که به صورت بسیار زودرس مطرح شده است. این مساله به نامگذاری خلیج (فارس) میان عرب‌ها و ایرانی‌ها مربوط می‌شود. به هر حال من نسبت به حالت تمایل شدیدی که عرب‌ها به عربی خواندن خلیج فارس پیدا کرده‌اند، اصلاح احساس هیجان نمی‌کنم، زیرا در همه جهان چه شرق و چه غرب، چه از سوی دشمنان و چه از سوی دوستان ایران نقشه‌ای یافت نمی‌شود که به غیر از خلیج فارس نام دیگری بر آن باشد. چنین به نظر رسید که تلاش‌های برادران شیفته قومیت عربی برای مذاکره با ایرانیان درباره نام خلیج فارس - عربی یا خلیج اسلامی و یا فقط خلیج در واقع نوعی برخورد غیرحکیمانه با حقایق تاریخی و جغرافیایی بوده است.

در کتاب "تطویر العلاقات المصریه الایرانیه" مجموعه نویسندگان، چاپ موسسه مطالعات سیاسی و استراتژیک الاهرام 2002 قاهره در ص 190 به نقل از آقای دکتر عبد المنعم سعید رئیس مرکز تحقیقات سیاسی و استراتژیک الاهرام چنین آمده است: "به صراحت تمام بگویم هیچ مدرک و سند تاریخی ندیدم که نام خلیج فارس را بتوان مستند بر آن تغییر داد. تمام نقشه‌ها و کتب تاریخی و حتی بعضی از سخنرانی‌های ناصر و رهبران انقلاب از خلیج فارس صحبت شده است. اگر تغییر نام خلیج باعث کدورت مردم ایران است چرا به حقیقت اعتراف نمی‌کنیم. باید شجاعت داشت و این در حدود موازین علمی است. همچنین این نویسنده و متفکر بزرگ در مقاله دیگری در روزنامه الاهرام 23 دسامبر 2002 در دفاع از نام خلیج فارس مقاله ای علمی و ارزشمندی نوشته است و تغییر این نام تاریخی را محکوم نموده است. دکتر عبدالمنعم سعید در بخشی از گزارش سفر خود تحت عنوان "تقریر آخر من طهران" نوشته است:

یکی از مکانهایی که در سفر 2002/12/9 در تهران بازدید کردیم، اداره اسناد و آرشیو وزارت امور خارجه بود در آنجا صدها نقشه جغرافیایی تاریخی وجود داشت که موقعیت ایران و جهان را در طول تاریخ نشان می دهد. برای من هیچ تعجبی نداشت که در همه این نقشه ها که دوستان و دشمنان ایران اعم از اعراب و یونانیها تهیه کرده اند همگی آنها نام خلیج فارس را در بر دارد. هیچ نقشه تاریخی در شرق و یا در غرب و در هیچ کجای جهان با نام خلیج عربی وجود ندارد و بنابر این تغییر این نام به خلیج و یا خلیج عربی و یا هر نام دیگری بر خورد غیر منطقی و غیر حکیمانه با حقایق تاریخی و جغرافیایی است.

روزنامه الاهرام www.ahram.org.eg در شماره 42229 مورخ 2002/7/20 در مقاله ای تحت عنوان "الثوره ساعدت علي تسمیه بالخلیج العربی بدلاً من الفارسی" نوشته است که نام خلیج از نظر تاریخی خلیج فارس است. ولی در اثر انقلاب ناسیونالیستی ناصر به خلیج عربی تبدیل شد". (البته حقیقت این است که عوامل استعمار این توطئه را آغاز کردند و افراطیون عرب ناآگاهانه در دام آنها افتادند).

پرفسور عبدالهادی تازی نویسنده و پژوهشگر معروف عرب و عضو آکادمی پادشاهی مغرب و رئیس گروه نامهای جغرافی کشور های عربی در مصاحبه با ایرنا :

حقیقتاً من هیچ منبع تاریخی را ندیدم که آبراه جنوب ایران را خلیج عربی نامیده باشد اعراب قبل و بعد از اسلام همیشه این آبراه را بحر فارس بحر العجم و یا خلیج فارس نامیده اند من خودم نقشه سفرهای این بطوطه را در کتابم ترسیم کرده ام و اسم خلیج فارس را در جای خودش آورده ام بنظر من مسولان نقشه برداری و کارتوگرافی کشورهای عربی و ایران باید نشستی داشته باشند و در مورد این نام با یکدیگر مصالحه و سازش مورد رضایت همه اطراف داشته باشند. بنظر من اعراب هیچ نیازی ندارند که نام تاریخی خلیج فارس را به خلیج عربی تبدیل کنند و باعث کدورت غیر عرب در منطقه شوند، این عمل تفرقه افکنی میان مسلمانان است اگر کسانی با کلمه فارس مشکل دارند می توانند نام تاریخی معادل دیگر آنجا را که بحر العجم بوده است بکار ببرند سازمان ملل و کنفرانس یکسان سازی نامهای جغرافیایی سازمان ملل فقط خلیج فارس را برسمیت می شناسد و من همیشه مخالف طرح ابهام در این خصوص در سازمان ملل بوده ام ."

روزنامه شرق شماره مورخ 1382/7/22 به نقل يك مقاله از روزنامه الانباء چاپ کویت پرداخته است در این روزنامه عربی ضمن تاسف از اینکه تحت تاثیر قوم گرایان افراطی نام تاریخی خلیج فارس در رسانه های عربی به خلیج عربی تبدیل شده است بدون اینکه واقعیتهای تاریخی و احترام به میراث تاریخی مراعات گردد. الانباء در مقاله ای تحت عنوان هویت آب آورده است زمان آن فرا

رسیده است که آب رفته به جوی بازگردد و امور را به جایگاه درست آن بازگردانیم و نام واقعی این خلیج را بکار گیریم به ویژه این نام یک میراث تاریخی خودی است و کاربرد نام خلیج فارس هویت کشورهای مشرف بر خلیج را تغییر نمی دهد بلکه قطعاً عقلانیت از دست رفته را به ما بازمی گرداند. صلاح السایر در روزنامه الانباء 6-10-2003 ضمن دفاع از نام خلیج فارس نوشته است قوم گرایان افراطی عرب که حرمت تاریخ را نگه نداشته و نام تاریخی خلیج فارس را به خلیج عربی تبدیل کرده اند باید به خود آیند و ماسکهای جعل و دروغ را کنار بگذارند. ایسنا این خبر را بشرح ذیل مخابره کرده است:

اعتراف دیر هنگام به یک حقیقت تاریخی

روزنامه‌ی الانباء در مقاله‌ی خطاب به کشورهای عربی و امت اسلامی، از آنها خواسته است که از نامیدن "خلیج فارس" به عنوان "خلیج عربی" خودداری کنند، این روزنامه‌ی کویتی در مقاله‌ی به قلم نویسنده مشهور عربی صلاح السایر، تحت عنوان (هویت آب) نوشته است: خلیج فارس نام دریایی است که ما را از ایران جدا می‌سازد، ولی بنا به اهداف سیاسی که به اصطلاح قوم‌گرایان عرب یک‌تاز آن بودند، این نام در تمام اسناد، نقشه‌ها و مطبوعات و رسانه‌های عربی به (خلیج عربی) تبدیل شد، بی آن که حرمت تاریخ رعایت شود، یا احترام بایسته‌ی نسبت به حقیقت آن مراعات گردد.

نویسنده با طرح این سوال که آیا زمان آن فرا نرسیده است که آب رفته به جوی بازگردد و امور را به جایگاه صحیح آن بازگردانیم تا به این آب هویت تاریخی اش را اعاده کنیم، می‌افزاید: به ویژه این که چنین تصحیحی هویت کشورهای مشرف بر خلیج فارس را تغییر نمی‌دهد، بلکه قطعاً عقلانیت از دست رفته را به ما باز می‌گرداند.

روزنامه کیهان عربی در تاریخ 81/7/21 برابر با 2002/10/13 نوشته است: دکتر بروس اینگهام رئیس مرکز پژوهش‌های خاور میانه و نزدیک دانشگاه لندن در مصاحبه‌ی ای گفته است که " فکر می‌کنم همه با من موافق هستند در این حقیقت که این آبراه از نظر تاریخی خلیج فارس نام دارد و این نام نزد همه ملل شهرت دارد و عربها و ایرانیها نیز این نام را از یونانیان قبل از اسلام گرفته اند. به نظر من برای مناطق جغرافیایی باید نامهای با ریشه تاریخی را به کار برد و این به معنی آن نیست که خلیج فارس متعلق به فارسها است همانطور که اقیانوس هند متعلق به هند نیست اینکه دولت بریتانیا و بعضی از دولتها برخلاف روند تاریخی این نام، کلمه " خلیج " بکار می‌برند یک اشتباه فاحش و توهین آمیز است.

در مقاله‌ی تحت عنوان: هل كل قلم حر عمیل ..؟! بقلم: د. هوزان قاسو *

أخبار الشرق - 5 كانون الأول 2002 أمده است: وكل من يدعوا إلى إلغاء هذا المصطلح الجغرافي البحت مهما كان جنسه مثقف أو تنظيم كردي أو مثقف عربي أو تنظيم وطني فهو يحرف ويشوه ويزور التاريخ والمنطق معاً. حتى تاريخ هذه اللحظة معظم الناطقين بالعربية والقوميات المتواجدة في الوطن العربي من أقصاه إلى أقصاه لا يستطيعون تسمية الخليج بالخليج الفارسي رغم أن الفرس أقدم تاريخياً من العرب ولكن كوننا نعيش تحت لواء دولة عربية نلزم تسميتها الجغرافية جديدة .

- المبروك بن عبد العزيز از كشور عربستان سعودي در يك مقاله اينترنتي تحت عنوان هل ستكون "الجزر الثلاث" "شط العرب 2"؟
نوشته است:

المؤسف أنّ العرب يواصلون تقديم الخدمات، عن قصد أو عن غير قصد، لقوى لا تريد الخير للمسلمين، مثلاً مع الإيرانيين هم يستفزون الشعب الإيراني و ليس الحكم الإيراني.

1- أول تلك الأخطاء إطلاق اسم العربي على الخليج الفارسي من جهة واحدة. فجميع كتب الأطلس و كتب التاريخ و الجغرافيا تتحدث عن اسم الخليج الفارسي. و نحن نعرف أن القبائل العربية انطلقت مع ظهور الإسلام من شرق و جنوب الجزيرة لتنتشر الإسلام شرقاً و غرباً. بينما وصلت أطراف الإمبراطورية الفارسية قبل ذلك إلى حدود نهر النيل غرباً. مسألة الاسم هي مسألة علمية تاريخية جغرافية لا يحق لنا تسييسها من حيث عدد السكان المطلين على الخليج يتفوق الإيرانيون على العرب و ربما يتبعهم الهنود و الباكستانيون لان الدول الخليجية ستصبح قريباً مثل الولايات المتحدة متعددة الأعراق، كما أن للعرب بحر يقع في جنوب الخليج هو بحر العرب. فلم لم يطلق جمال عبد الناصر اسم البحر العربي على البحر الأحمر أو البحر الأبيض المتوسط؟..

2- فيما يخص الجزر الثلاثة يساوي الإماراتيون بين الاحتلال الإسرائيلي الواضح لفلسطين و بين خلاف حدودي حول جزر نائية تقع في عرض البحر بين دولتين مسلمتين، و يذكرنا دعم القمة العربية الأخيرة لموقف الإمارات في استعادة جزرها باستعمال القنوات السلمية بالدعم الفاشل و المتواصل الذي ناله العراق أثناء حربه مع إيران في الثمانينات من القمم العربية.

إن أي حرب جديدة مع إيران، لا قدر الله، لن تخدم سوى إسرائيل و أعداء المسلمين، و سيكون المتضرر كالعادة الطرف العربي الأضعف، و بإمكاننا تخيل الدمار التي ستحدثه مثل هذه الحرب بالدول الخليجية التي أنفقت المئات من المليارات على التنمية طول عقود. هذا بالطبع إذا لم تتدخل الولايات المتحدة لتسيطر على الجزر و ترابط فيها.

إن إيران هي العمق الاستراتيجي للعرب من جهة الشرق. وهي دعم للحقوق العربية و الإسلامية. و يرجع جزء كبير من النمو التجاري و الازدهار الاقتصادي للإمارات إلى عوائد التجارة مع إيران التي تستفيد من التراخيص الإماراتي خصوصاً في ظل الحصار الأمريكي لها فيما يتعلق بالتكنولوجيا المتقدمة.

فالفرس موجودون هناك منذ آلاف السنين.

التقدم العلمي و التقني الإيراني سيخدم المسلمين و سيوفر لهم إمكانية التخلص من التبعية المكلفة للغرب. خلاصه ترجمه:

متاسفانه اعراب با تفرقه افکنی میان اقوامی که هزاران سال است در منطقه حضور دارند به قدرتهای استعمارگر خدمت می کنند حضور فارسها در خلیج فارس از اعراب قدیمی تر است تغییر نام خلیج فارس که همه نقشه ها و اسناد تاریخ دلیل بر این نام است عملی غیر علمی و توهین به ایرانیان و خدمت به استعمار است امارات در خصوص جزایر سه گانه همان راهی را می رود که صدام رفت و شکست خورد و باعث کشته شدن هزاران نفر مسلمان از دو کشور شد جزایر بهتر است در اختیار ایرانی ها باشد تا در اختیار کشوری که آن را به پایگاه آمریکا تبدیل خواهد کرد.

"قدری قلعجی" نویسنده و متفکر عرب در ماه نوامبر 1968 در مقاله تحت عنوان (ملاقات صلح در مهد اسلام) در روزنامه "الراصد" چاپ بیروت نو چنین قضاوت می کند: "ایران دولتی است دوست و ملتی است برادر، تاریخ آن با تاریخ عرب در هم آمیخته و فرهنگ ما برای دوره ای از تاریخ مخلوط گشته است... اختلافات ما با آن درباره عربیت خلیج فارس بیش از اختلاف ما درباره عربیت ابن المقفع، ابن بردو، ابی نواس، ابن قتیبیه، ابن سینا، سیبویه، خوارزمی، اصفهانی، همدانی، رازی، موصلی، بلخی، بیرونی، غزالی، شهرستانی، گرگانی، طغرانی، کاشانی، تبریزی شیرازی که همه از شاخه ای ایرانی پدید آمده و در محیط اسلام رشد یافته اند نیست."

"علی حمیدان" که از نویسندگان برجسته عالم عرب است در کتاب (les Princes deorlmoir) چاپ پاریس همه جا نام خلیج فارس را بطور کامل یادآور می شود.

- متعاقب آن روزنامه تایمز لندن در 26 سپتامبر 1968 در صفحه خاورمیانه اظهار امیدواری کرده است که دیگر نویسندگان نیز از این محقق منصف پیروی کرده و از سعی بیهوده در تغییر نام خلیج فارس که قرنها در کلیه نقشه های جهان به همین نام طبع شده است پرهیز نمایند.

نذیر فنصه سردبیر "مله الاخاء" در این باره مقاله جالبی نوشت و ضمن آن بشرح وضعیت علما و دانشمندان و متفکرین عرب پرداخته که چگونه از لجابت و تعصب غیرمنطقی دچار ناراحتی گشته اند و می نویسد: "امروز اعراب از لحاظ تسمیه خلیج فارس در وضعی قرار گرفته اند که نویسندگان و مورخان منصف از ترس اینکه در تلاطم احساسات لبریز شده، متهم به دست نشاندگی و ارتجاع نشوند، نمی توانند اظهار نظری کنند... شما را بخدا بگویند که نام خلیج از چه تاریخی در کنار لفظ (عربی) قرار گرفت. این

بدعت از ده سال قبل و از زبان يك سياستمدار معروف و در راه يك هدف غايب معيني ... آغاز گشت. اين توهين به تاريخ و اصول بين المللي است."

دکتر سيد محمد نوفل مصري، معاون اتحاديه عرب و نماينده دولت مصر در کنفرانس حقوق بشر تهران 1968 در مصاحبه اي با خبرنگاران، پيرامون خليج فارس چنين سخن گفت: "من کوششهايي را که براي تغيير نام خليج فارس به خليج عربي صورت مي گيرد مورد استهزاء قرار داده اين کوششهاي بي نتيجه را محکوم مي کنم"، وي گفت که مطالعاتي درباره منطقه خليج فارس دارد و در کتابي که در سال 1952 درباره اين منطقه نوشته است همه از خليج فارس نام برده و تنها شيخ نشينهاي خليج را نه عرب و نه ايراني دانسته است.

همچنين روزنامه آکسيون چاپ تونس در اسفند ماه 1969 در بحث مفصلي تحت عنوان (کدام يك از اين عبارات صحت دارد) ضمن اينکه تاريخچه خليج فارس را مورد بررسي قرار مي دهد، فارسي بودن خليج فارس را ثابت نموده و اين اصل را از هر نوع شبهه اي بدور دانسته است.

علاوه بر اين کتابهاي زيادي از سال 1959 تاکنون از طرف پاره اي از نويسندگان و محققين منصف عرب بچاپ رسیده است که در آنها از اين دريا بهمان نام اصلي يعني خليج فارس نام برده مي شود.

دهها ديپلمات و شخصيت علمي، اساتيد دانشگاه هاي عربي و اسلامي در گفتگو با همتايان ايراني خود از اين بابت که عده اي افراطي به تغيير نام خليج فارس دامن زده و باعث اختلاف ميان ايرانيان و اعراب شده اند اضهار تاسف کرده اند که بدليل جلوگيري از اطاله کلام مجال پرداختن به همه اين نظرات نيست.

در کنفرانس يکسان سازي اسامي جغرافيايي، کشورهاي عربي دولت اسرئيل را بخاطر تلاش براي تغيير نام خليج عقبه بشدت مورد انتقاد قرار داده اند چطور اعراب همان عمل اسرئيل را خود به شکل بسيار بيشرمانه تري در مورد خليج فارس بکار ميبرند؟

برگرفته از : خليج فارس نامی کهن تر از تاريخ ، محمد عجم